

علی موسوی: بادوندگی بی امان می توانیم نفس آمریکا را هم بگیریم
باید بدون ترس بازی کنیم

کلههر: آمریکا از ولز منظم تر است
آمریکادر حمله ضعف دارد

شماره مسلسل ۲۴۸۴
ساخته ۸ آذر ۱۴۰۱
۲۰ جلدی از ۱۴۴۴
۲۶ نوامبر ۲۰۲۲
شماره ۳۷۴۶

ورزش
فوتبال

| Tue | 29 Nov 2022 | vol.1
No. 3746 | 16 Pages

امشب بیشتر از همیشه به صعود به جمع ۱۶ تیم برتر دنیا امید داریم

آخرین ضربه رو محکم ترین

لیخند که می زد، دلت قرص می شد! توپ را که یکدستی می گرفت، حالت ارغوانی می شد! در بازی امشب کاش احمدرضا بود. دو تا یکدستی می زد، آمریکایی ها خودشان را خیس می کردند!

تا شب با خودت چند چندی رفیق؟

داشتم می گفتم. من دلم به این بازی روشن است. تو را نمی دانم رفیق. من امشب حسم خوب است. دلم سهرنگ است. آماده ام برای یک برد خوب. برای یک سه امتیاز از ته دل. برای اینکه با رفقایت درمورد چیزی غیر از این روزها صحبت کنیم. امشب مادر پیرم هم بازی را می بیند. آلزایمر دارد. فقط می دانم که سر بردن ولز حالش خیلی خوب بود که اتفاق نادری است چون معمولاً حالش خوب نیست. همه چیز یادش می رود. امشب می نشیند پای بازی. من هم! میلیون ها نفر دیگر هم. دل ها که خون است. کاش لب ها به خنده باز شود. به خدا هیچ ملتی در دنیا قدر ما به خنده نیاز ندارد! تا شب با خودت چند چندی رفیق؟

گریه بازاری بود. شاید تو هم امشب این طوری شدی. شاید هم نه. داغ داغ رفتی پای تلویزیون. نمی دانم. با تو صفر صفرم. قضاوتی ندارم برایت. هرطور که بودی، هرکجا که بودی، دلت هرجا که پرکشید، عشق است!

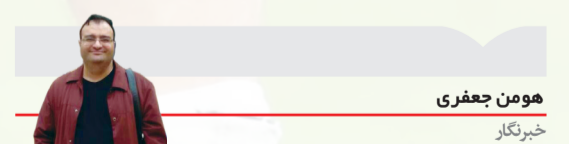
تا شب با خودت چند چندی رفیق؟

تو را نمی دانم. من به بازی امشب خیلی امید دارم. برای اولین بار است که در روز آخر، ما دست بالا را داریم. حتی یک مساوی هم برای ما کافی است! خوب که فکرش را می کنیم این بازی خوراک عابدزاده است. یاد وقت تلف کردن هایش می افتم در جوهر با هور مالزی مقابل ژاپنی ها! آنها حال شان خوب بود. ما لت و پار به مالزی رفته بودیم. شرجه مالزی، تیم ما را له کرده بود. احمدرضا یک تنه چقدر وقت تلف کرد که ما را برساند به ضربات پناالتی بلکه مستقیم به جام جهانی برویم که نشد. گل طلایی را دقیقه ۱۱۸ خوردیم. این بازی خوراک عابدزاده بود. بگذریم. بازونند که روی بازوهایش بود،

جشن می گیریم یا نمی رویم بالا و تا صبح حسرتش را می خوریم! امشب شب یلداست. طولانی ترین شب سال! طولانی ترین شب قرن! امروز هم روز یلداست! طولانی ترین روز دنیا! تمام نمی شود امروز! تا لحظه شروع بازی، باید کلی صبر کنیم ببینیم کی شروع می شود و کی اوکی می شود و کی داور اسپانیایی، سوت شروع را می زند؟

تا شب با خودت چند چندی رفیق؟

ته بازی امشب، من و تو بییم و اشک! بگذار از همین حالا برایت بازی امشب را باز کنیم. بازی شروع می شود. سرود ملی می زند و ما بغض این چند وقت را دوباره در گلویمان حس می کنیم. شاید مثل من، بازی را نگاه نکنی. من ۲۰ دقیقه اول بازی با ولز را ندیدم. داشتم چیزی تایپ می کردم. حال خوب نبود. دلم خون بود. صدای تلویزیون بلند بود و همه تحریریه داشتند بازی را می دیدند جز من که نشسته بودم گوشه دیگری. نشد. حال دلم برگشت. تلویزیون کشاند مرا سمت خودش. رتم و بازی را دیدم و تپش چه



هومن جعفری

خبرنگار

کجا می روی؟ کجا می آیی؟ چه می کنی؟ روحیه ات چطور است برای بازی بزرگ امشب؟ نگاه می کنی یا رویت را می کنی آن روز؟ می روی برای تشویق یا تحریم؟ دلت می خواهد ببریم یا ببازیم؟ با خودت چند چندی؟ من با تو صفر صفرم. هرطور که با بازی امشب راحتی. آن سمتی هم باشی من با تو صفر صفرم.

تا شب با خودت چند چندی؟

پرچم و تخمه و بوق و چای زیاد ردیف کرده ای؟ یا نکند بساط امشبست امروزی تر است؟ یفک و ماست و چیپس و اشی مشی و آب میوه پاکتی؟ با رفقایی یا با یار؟ تنهایی یا با گروه؟ انار هم «دون» کرده ای؟ آخر امشب شب یلدایی است برای خودش! تا صبح بیداریم. یا می بریم و تا صبح